

دوفصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال دوم، شماره چهارم، بهار و تابستان ۹۱، صفحات ۱۸۹-۲۱۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۱/۵/۱۲

تاریخ دریافت: ۹۰/۶/۸

مبارزات اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا و آمریکا

شهرام یوسفی فر^۱

حمید کرمی پور^۲

چکیده

بررسی چگونگی پیوند فکری روشنفکران مذهبی و روحانیت، جنبه‌هایی از تاریخ ایران و دوره پهلوی دوم را روشن می‌سازد. دانشجویان مسلمان به عنوان بخش عمده‌ی جریان روشنفکری با تأسیس انجمن‌های اسلامی داخل و خارج از کشور سنگ بنای این وحدت را پی‌افکنند. اتحادیه انجمن‌های اسلامی خارج از کشور به دلیل ناتوانی دستگاه‌های امنیتی رژیم پهلوی در ایجاد محدودیت علیه آن، ارتباط گسترده‌ای با امام خمینی و نهاد روحانیت برقرار ساختند. این مقاله با استفاده از فرضیه‌ی فرهنگ و کارگزاری جان‌فورن به اثبات این نظریه می‌پردازد که، اتحادیه‌ی فوق، گفتمان‌های مختلف تشیع انقلابی را در طول فعالیت خود برگزید و در آستانه‌ی پیروزی انقلاب اسلامی گفتمان امام خمینی را همچون راهنمای عمل و ایدئولوژی مبارزه برگزید. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی با تکیه بر تاریخ شفاهی می‌باشد.

کلید واژه‌ها: اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی، قیام ۱۵ خرداد، هویت دینی، مرکز اسلامی هامبورگ.

shyousefifar@yahoo.com

Karamipour3315@yahoo.com

^۱- دانشیار گروه تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

^۲- استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران

مقدمه

تبیین علل پیروزی انقلاب اسلامی به علت ماهیت چند علّیتی آن، پیچیده و دشوار است؛ اگرچه برخی تحلیل‌های ساختاری، سیاسی و نیز روانشناسی قادر به توضیح برخی از جنبه‌های این رویدادها می‌باشد؛ اما ماهیت فرهنگی و ایدئولوژیک آن، راه تبیین دقیق آن را دشوار ساخته است؛ زیرا جنبه‌ی فوق در انقلاب‌های پیشین کم رنگ و حاشیه‌ای بود و یا اصلاً دیده نمی‌شد و برای محققان پدیده‌ی تازه‌ای به شمار می‌رفت؛ اما انقلاب اسلامی، عامل ایدئولوژیکی را که در نظریه‌های انقلاب مورد غفلت قرار گرفته بود به کانون بحث‌های فرضیه‌های انقلاب کشید (معدل، ۱۳۸۳:۱۲).

برای اثبات آنچه که گفته شد، ضروری است نقش گروه‌ها و سازمان‌ها و نیز شخصیت‌های مؤثر در فرآیند مبارزات علیه رژیم پهلوی، هم از نظر اندیشه و تفکر و هم از جنبه‌ی سازماندهی و شیوه‌های بسیج سیاسی مورد بررسی قرار گیرد. در میان مجموعه‌ی نیروهای فعال مخالف دستگاه سلطنت، گروه‌های موسوم به چپ و نیز نیروهای مذهبی با گرایش‌های مختلف، عمده‌ترین مخالفان سیاسی به حساب می‌آمدند. آنها با توسل به ایدئولوژی‌های مارکسیستی و اسلامی و با توسل به شیوه‌های مبارزاتی مختلف، دور نمای جذاب و خیره کننده‌ای برای بسیاری از دانشجویان و روشنفکران سیاسی فراهم ساختند.

در مورد سازمان‌ها و گروه‌های مارکسیستی، تاکنون پژوهش‌های فراوانی در داخل و هم در خارج از کشور، از سوی موافقان و مخالفان آنها، در قالب پژوهش، خاطره‌نویسی و نیز اسناد، انجام گرفته است. وجه مشترک این نوشته‌ها، تأکید بر ماهیت ایدئولوژیکی این گروه‌ها می‌باشد که، با توسل بر آموزه‌های مارکسیستی در صدد بنیان نهادهایی، در جامعه‌ای عاری از کژی‌ها، همراه با عدالت و برابری بوده‌اند. گروه‌های مارکسیستی تعبیر و تفسیر مشترکی از مارکسیسم و سوسیالیزم ارائه نمی‌دادند؛ بلکه هر یک ارزیابی خود از این پدیده را عین واقعیت و تلقی گروه‌های دیگر را، ناصواب تصور می‌نمودند.

اما وضعیت‌های گروه‌های مذهبی به دلیل گستردگی و تنوع و نیز ماهیت فعالیت آن‌ها به گونه‌ی دیگری بود؛ اگر با این نظر موافق باشیم که، سه گروه عمده یعنی؛ روشنفکران

جوان، علمای مبارز و نسل جوان‌تر بازاری‌ها، رهبری، تدوین مبانی ایدئولوژیک و پشتوانه‌های مالی انقلاب را تدارک دیدند (اشرف، بنوعیزی، ۱۳۸۷: ۱۲) به شمول وسیع نیروهای مذهبی در جامعه واقف خواهیم شد. بنابراین پایگاه مذهبی در جامعه‌ی ایرانی محدود و منحصر به گروه‌های روشنفکری و دانشگاهی نبود؛ بلکه از طریق بازار و نهاد روحانیت، تمام عرصه‌ی جامعه را در برمی‌گرفت.

با توجه به گستردگی نیروهای مذهبی و فعالیت آنها در تمام سطوح جامعه، در دوره‌ی مورد نظر، بخصوص در میان انجمن‌ها و تشکلهای دانشجویی، ضروری می‌نماید با انجام پژوهش‌های متعدد، عمق و دامنه و نیز ماهیت فعالیت‌های فکری آنها را مشخص نمود. چنین پژوهش‌هایی مسیر شناخت جامعه ایران در عصر پهلوی دوم را هموار خواهد ساخت و زمینه شناخت علل پیروزی انقلاب اسلامی را فراهم خواهد نمود.

در میان حلقه بزرگ پژوهشگرانی که انقلاب اسلامی را به عنوان موضوع مورد پژوهش خود برگزیده‌اند برخی که آشنایی گسترده‌تری با تاریخ ایران داشته‌اند، به صراحت نقش فرهنگ شیعه و بهره‌برداری از آن از سوی روحانیت و روشنفکران را مورد تأکید قرار داده‌اند (Algar, 1983: 35). همچنین آصف حسین نیز نقش عنصر ایدئولوژی در تحلیل انقلاب ایران و تأثیر آن در سقوط رژیم پهلوی را مورد بحث قرار داده است (Hussein, 1985: 59) تداوم‌سکاچیول نیز در مقاله «دولت تحصیل‌دار و اسلام شیعه در انقلاب ایران، به اثبات نقش نظام عقیدتی و مفاهیم فرهنگی در شکل دادن به کنش سیاسی، پرداخته است (Skocpol, 1982: 185).

ویژگی مشترک این پژوهش‌ها بررسی جنبه‌های کلی و عمومی فرهنگ سیاسی تشیع و پیوند آنها، بخصوص با گروه‌های سنتی جامعه‌ی ایران می‌باشد و گروه‌های وابسته به روشنفکران، مانند دانشجویان در حوزه‌ی بررسی آنها، قرار نگرفته است. از این رو، تحقیق درباره‌ی این گروه که نقش مهمی در پیروزی انقلاب اسلامی داشته‌اند، ضرورتی اساسی برای مطالعات مربوط به انقلاب اسلامی به حساب می‌آید.

۱- ایدئولوژی مذهبی و جنبش دانشجویی

استفاده از نهادها و باورهای شیعی در حرکت‌های اجتماعی و سیاسی در میان ایرانیان منحصر به دوره‌ی پهلوی نیست؛ بلکه از دیرباز این شیوه وجود داشته است؛ اما تدوین و انسجام آموزه‌ها و باورهای شیعی در یک سیستم منسجم و به عنوان یک ایدئولوژی، محصول تلاش فکری و سیاسی بخشی از روشنفکران و روحانیون در دوره‌ی پهلوی دوم می‌باشد. چون روند و چگونگی این تلاش در ادامه، توضیح داده خواهد شد، در اینجا فقط به تعریف ایدئولوژی و چگونگی شکل‌گیری آن در میان کنشگران پرداخته خواهد شد تا منظور از کاربرد این واژه در این مقاله مشخص شود.

ایدئولوژی عبارت از سیستمی از ایده‌ها و قضاوت‌های روشن و صریح و عموماً سازمان یافته‌ای است که، موقعیت یک گروه یا جامعه را توجیه، تفسیر و تشریح می‌نماید. این سیستم با الهام‌پذیری از ارزش‌ها جهت‌یابی معین و مشخصی را برای کنش‌های اجتماعی آن گروه و یا آن جامعه، پیشنهاد و ارائه می‌دهد (روشه، ۱۳۹۰: ۸۲). این تعریف جنبه‌ها و کارکردهای متفاوت ایدئولوژی را روشن می‌سازد؛ زیرا با تدوین یک سیستم منسجم که راهنمای عمل کنشگران باشد، انگیزه و مشوق کافی برای تغییر و دگرگونی در آنچه در جامعه ناخوشایند می‌نماید، فراهم می‌کند. نظر به همین ویژگی است که جامعه‌شناسی معاصر، نقش ایده‌ها را در تغییر اجتماعی، از ورای ارزش‌ها و ایدئولوژی مورد دقت قرار می‌دهد.

ایدئولوژی به خودی خود اسباب حرکت و تغییر نیست؛ بلکه اثرگذاری آن وابسته به کنشگران اجتماعی و سیاسی است و از پیوند این دو، کنش تاریخی به وجود می‌آید. اصولاً ایدئولوژی به وسیله کارگزاران و بازیگران اجتماعی و براساس ارزش‌های فرهنگی و مقبول جامعه، تهیه و اشاعه می‌یابد. ایدئولوژی به این منظور شکل می‌گیرد تا در میان جمع و گروهی خاص، هویت ایجاد نماید و شکل‌گیری هویت مذهبی یا سیاسی، یکی از زمینه‌های اساسی کنش جمعی و رفتار گروهی است.

ارزش‌های فرهنگی برای انطباق با زمان حال بطور مداوم بازنویسی می‌شوند (سلبین، ۱۳۸۷:۱۲۷) و حتی کنشگران اجتماعی به عنوان جعبه‌ی ابزار برای اهداف متعدّد از آنها استفاده می‌کنند (فورن، ۱۳۸۷:۲۷۰) ایدئولوژی اگر به یک کنش تبدیل شود به تولید واژگان جدید هم یاری می‌رساند (دلپورتا، ۱۳۸۴:۳۱) تأسیس انجمن اسلامی دانشجویان در ابتدای دهه‌ی بیست و به دنبال آن تأسیس اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی اروپا و آمریکا در ابتدا با اهداف فرهنگی و دینی انجام گرفت و برعکس تشکّل‌های دانشجویی چپ، واجد اهداف سیاسی نبود. رویکرد انجمن‌های اسلامی دانشگاه به تدریج تغییر یافت؛ زیرا دگرگونی‌های سیاسی و شرایط ویژه‌ی مملکت به تدریج آن‌ها را به سوی مقاصد سیاسی کشید. این وضعیت برای اتحادیه‌های انجمن‌های اسلامی خارج از کشور نیز تکرار شد که، یکی از علل اصلی آن، چنان که در ادامه به آن اشاره خواهد شد، وجود افرادی بود که، از دانشگاه تهران و سپس دانشگاه‌های دیگر به اروپا و آمریکا مهاجرت کردند و این سنت را در خارج از کشور برای مدتی ادامه دادند، از آن‌جا که در بخش بعدی این روندها توضیح داده خواهد شد، بیش از این، مورد بحث قرار نمی‌گیرد؛ اما اشاره به این موضوع ضروری است که، انجمن‌های اسلامی چه در داخل و چه در خارج از آغاز، کوشش آگاهانه‌ای در جهت تدوین و انسجام یک ایدئولوژی برمبنای ارزش‌های دینی در پیش گرفتند.

روشنفکران مذهبی یکی از مهمترین تکیه‌گاه‌ها و پشتیبانان فکری و فرهنگی اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی به حساب می‌آمدند که با سخنرانی‌ها و کتاب‌های خود زمینه‌های شکل‌گیری یک گفتمان سیاسی-دینی را در جامعه ایران بوجود آوردند، برخی محققان برای این گروه در بنا نهادن یک گفتمان مبارزه‌ی شیعی نقش اصلی را اختصاص داده‌اند و شکل‌گیری ایدئولوژی انقلابی شیعی را محصول تلاش روشنفکران مذهبی دانسته‌اند (معدل، ۱۳۸۲:۱۳). جان فورن، گفتمان و ایدئولوژی مبارز شیعی را در دوران مبارزه با رژیم پهلوی به صورت زیر تقسیم نموده است: اسلام مبارزه جویانه‌ی (امام) خمینی که در میان طلبان حوزه و بعضی گروه‌های بازاری رواج داشت. اسلام رادیکال شیعی که در میان دانشجویان، هواداران زیادی جلب کرده بود و نیز اسلام لیبرال بازرگان که در میان حرفه‌ای و متخصصان رایج بود (فورن، ۱۳۸۶:۲۷۶).

این گفتمان‌ها ایدئولوژی‌های شایع در میان نیروهای مذهبی مخالف رژیم پهلوی به حساب می‌آمد که، در دو دهه‌ی آخر حیات این رژیم قرائت‌های متفاوتی از تشیع انقلاب عرضه نموده‌اند، علی‌رغم تلاش گسترده‌ی روشنفکران مذهبی، گفتمان امام خمینی مقبولیت گسترده‌تری یافت و به تدریج و بخصوص در آستانه‌ی پیروزی انقلاب اسلامی، گفتمان‌های دیگر را در سایه و حاشیه قرار داد. با بررسی تاریخچه‌ی اتحادیه‌های انجمن‌های اسلامی اروپا و آمریکا می‌توان پاسخ مناسب و قانع‌کننده‌ای برای این روند پیدا کرد.

توانایی چشمگیر گفتمان امام خمینی در بسیج توده‌ای و جلب پشتیبانی بخش‌های گسترده‌ای از مردم به آرمان ایشان، یکی از عوامل رنگ باختن، و یا تضعیف جریان‌های سیاسی دیگر گردید. به این ترتیب ایدئولوژی و پویایی آن و نیز کارگزاران یا کنش‌گران مصمم و با اراده به عنوان دو عامل اصلی در پیروزی انقلاب به حساب می‌آیند. این مقاله این فرضیه‌ها را در قالب بررسی اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی خارج از کشور مورد ارزیابی قرار داده و در نهایت صحت آن را به ثبوت رسانده است.

۲- زمینه‌های شکل‌گیری اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانشجویان

اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا و آمریکا (گروه فارسی زبان) ائتلافی از انجمن‌های اسلامی دانشجویان دانشگاه‌های اروپا و آمریکا بود که از اوایل دهه‌ی چهل تا پیروزی انقلاب اسلامی در زمینه‌های فرهنگی و مذهبی و در اواخر حیات رژیم پهلوی به فعالیت سیاسی می‌پرداخت. شکل‌گیری این اتحادیه، برای نیروهای مذهبی، نتیجه‌ی یک ضرورت دینی و گسترش آن بر اثر تحولات سیاسی ایران و اوضاع بین‌المللی بود؛ بنابراین برای سهولت بررسی آن زمینه‌های داخلی و خارجی که در ایجاد آن مؤثر بوده‌اند، جداگانه بررسی می‌گردند.

۱-۲- زمینه‌های داخلی

پایان سلطنت پهلوی اول و برجیده شدن بساط استبداد و دیکتاتوری، نقطه‌ی عطفی در تاریخ نیروهای مذهبی به حساب می‌آید؛ زیرا از یک سو محدودیت‌ها و موانع بی‌شماری که در برابر فعالیت‌های نهاد و روحانیت قرار گرفته بود، رفع شد و از سوی دیگر جریانی به نام روشنفکری مذهبی در بین اقشاری که از تحصیلات نوین و دانشگاهی برخوردار بودند، بوجود آمد و در شهرهای بزرگ، بخصوص تهران با تبلیغات فراوان و انتشار نشریات مختلف به نشر ایده‌های خود پرداختند. اصطلاح روشنفکری مذهبی اشاره به این جریان فعال و پویا در این دوره است که، با اقدامات متعدد و متنوع و ایجاد سازمان‌های فرهنگی و مذهبی درصدد رویارویی با تبلیغات ضدّ دینی احزاب و گروه‌های غیرمذهبی و ضدّ مذهبی برآمد (جعفریان، ۱۳۸۰: ۶۰-۳۰).

تشکیل انجمن اسلامی دانشگاه تهران در ابتدای دهه‌ی بیست و نیز انجمن‌های اسلامی دانشگاه‌های دیگر در سال‌های پس از آن، یکی از اقدامات جریان فوق به حساب می‌آید که تأثیر دیرپایی در تاریخ مبارزات دینی در دانشگاه به جا نهاد. نگاهی به اساسنامه‌ی انجمن اسلامی، ماهیت دینی آن را نشان می‌دهد و ... اصلاح جامعه بر طبق دستورات اسلام، کوشش در ایجاد دوستی و اتحاد بین افراد مسلمان جوان روشنفکر، انتشار حقایق اسلامی به وسیله‌ی ایجاد مؤسّسات تبلیغاتی و نشر مطبوعات و مبارزه با خرافات ... (یزدی، ۱۳۸۲: ۴۵).

نهاد روحانیت نیز در دوره‌ی مورد بحث به منظور جبران خسارت و عقب ماندگی‌هایی که در دوره‌ی رضاشاه متحمّل شده بود، شروع به بازسازی حوزه‌های علمیه و اقدامات فرهنگی دیگر نمود. آنچه بر آهنگ شتاب روحانیت و نیز روشنفکران مذهبی در دهه‌ی بیست می‌افزود، حضور پر قدرت حزب توده با سازمان‌ها و نشریات متعدد، آن بود که با پشتیبانی دولت شوروی، در میان اقشار مختلف شهرها نفوذ فراوانی بدست آورد بود. نیروهای مذهبی هم چنین از حضور بهایی‌ها و نیز طرفداران احمد کسروی، احساس خطر می‌نمودند، در بسیاری از مواقع کوشش‌های خود را به طور مشترک در جهت مبارزه با آنها

به کار می‌بردند (بدلا، ۱۳۷۸ : ۳۵-۳۰). تکاپوی نیروهای مذهبی در دهه‌ی بیست، همچنین شامل مجموعه‌ای از تلاش‌ها از قبیل اقدام مسلحانه تا فعالیت‌های فرهنگی بود (رهنما، ۱۳۷۸:۴).

علی‌رغم حضور نیروهای مذهبی در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی در دو دهه‌ی بیست و سی نقش و تأثیر آنها در تحولات سیاسی این دوره، جز در واقعه‌ی سی تیر و نیز برخی اقدامات فدائیان اسلام قابل توجه نبود.

دانشجویان و افراد مذهبی که در این زمان به فعالیت‌های سیاسی تمایل داشتند، در سازمان‌های وابسته به جبهه‌های ملی حضور داشتند و تحت رهبری آنها به فعالیت پرداختند پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و نیز رویدادهای پس از آن، مانند جبهه‌ی ملی دوم و نیز نخست وزیر دکترا علی امینی، فرصت و زمینه‌ی لازم برای بازنگری و تجدید نظر در عملکرد جبهه‌های ملی و حزب توده فراهم آمد، و به تدریج نسل جوان و نیروهای سیاسی در دانشگاه، علت شکست مقاومت مردم را در اشتباهات این دو جریان یافتند.

دوران آشفتگی فکری نیروهای مذهبی با قیام ۱۵ خرداد ۴۲ با رهبری امام خمینی به پایان رسید و نقطه‌ی عطف جدیدی در روند مبارزات مردم ایران به وجود آمد. مهمترین نتیجه‌ی این رویداد، شکل‌گیری یک هویت جدید در میان نیروهای مذهبی در دانشگاه بود، و انجمن‌های اسلامی دانشگاه، پس از آن اعتماد به نفس و انگیزه‌ی مضاعفی در فعالیت‌های خود به دست آوردند (یزدی، همان، ۳۵).

۲-۲- زمینه‌های خارجی تشکیل اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانشجویان خارج از کشور

دانشجویانی که در دهه‌ی چهل شمسی / انجمن‌های اسلامی شهرهای مختلف اروپا و آمریکا را با یکدیگر متحد ساختند و یک کنفدراسیون یا اتحادیه را به این وسیله تأسیس نمودند، گذشته از عوامل داخلی، از اوضاع سیاسی و فرهنگی اروپا و آمریکا و تشکیلاتی که دانشجویان مسلمان کشورهای دیگر در این دو قاره به وجود آوردند و نیز از تحولات بین‌المللی تأثیرات ژرفی پذیرفته بودند. چگونگی ورود آنها به سازمان‌های دانشجویی

کشورهای مسلمان، و نحوه‌ی اثرپذیری از آنها، به دلیل گستردگی و نقش مهم آن در تأسیس انجمن‌ها در جای خود توضیح داده خواهد شد؛ اما مهمترین عوامل، در ذیل بیان خواهد گردید.

تا آغاز دهه‌ی پنجاه جنبش چپ در دانشگاه تهران و دیگر دانشگاه‌های کشور، از نظر سازماندهی و فعالیت‌های سیاسی، تشکیلاتی پیشنهاد بود و این برتری را در میان دانشجویان ایرانی شاغل به تحصیل در اروپا و آمریکا حفظ کرده بود. کنفدراسیون دانشجویان ایرانی که در دوره‌ی مورد بحث، در اوج فعالیت خود قرار داشت، پوششی برای مبارزه‌ی سیاسی گروه‌ها و سازمان‌های چپ علیه رژیم شاه به حساب می‌آمد. کنفدراسیون در دهه‌ی چهل شمسی/ یکی از تشکلهای معتبر دانشجویی در سراسر دنیا به حساب می‌آمد و نقش مؤثری در افشای جنایت‌های ساواک و دستگاه‌های امنیتی رژیم ایفا کرد. تا زمانی که دانشجویان مسلمان، تشکلهای و جمعیت‌های مستقل خود را سامان نبخشیده بودند، ضمن حفظ اعتقادات خود، فعالانه در کنفدراسیون حضور داشتند و حتی به مراتب بالایی در مدیریت آن دست یافتند. ۱۰

به تدریج وضعیتی بوجود آمد که، ادامه‌ی همکاری نیروهای مسلمان با این سازمان گسترده‌ی دانشجویی را با مشکل مواجه ساخت، نخست باید به قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ش/ اشاره کرد که به فعالیت‌های سیاسی دانشجویان صبغهی دینی بخشید و دوّم ایجاد محدودیت و یا به عبارتی عدم امکان ابراز تمایلات و علائق دینی دانشجویان مسلمان در چارچوب تشکیلات کنفدراسیون بود؛ زیرا پس از غلبه ایدئولوژی مارکسیستی بر کنفدراسیون بخصوص پس از ۱۹۶۴م/ که چین وارد عرصه‌ی فعالیت‌های تبلیغاتی در سطح بین‌المللی شد، روند چپگرایی این سازمان دانشجویی آهنگ پرشتابی به خود گرفت. (طباطبایی، ۱۳۸۶: ۳) این وضعیت در حالی در حال اتفاق افتادن بود که کنفدراسیون خود را یک تشکیلات غیر ایدئولوژیک به حساب می‌آورد (یزدی، ۱۳۸۶: ۷).

از شکل گرفتن فعالیت دانشجویان مسلمان پس از قیام ۱۵ خرداد، به اپوزیسیون اسلامی یاد شده است (متین، همان: ۱۹۲). پس از قیام فوق، دکتر علی شریعتی مقاله‌ای با

عنوان «مصدق رهبر ملی و خمینی رهبر مذهبی» برای نشریه‌ی جبهه‌ی ملی «ایران آزاد» تسلیم کرد. اما هئیت تحریریه از جمله علی شاکری و علی راسخ افشار به این بهانه که ایران فقط یک رهبر دارد و آن هم هم مصدق است اجازه‌ی چاپ این مقاله را ندادند. پس از آن شریعتی، نه تنها از سردبیری این نشریه استعفا داد؛ بلکه به فعالیت در کنفدراسیون نیز پایان داد (همان: ۱۱۲). این وضعیت به اشکال مختلف برای دانشجویان مذهبی فعال در کنفدراسیون نیز آمد. ادامه‌ی این رویارویی‌ها، دانشجویان مسلمان را به فکر راه‌اندازی و تشکیل یک سازمان مذهبی - سیاسی جدید با الگوی اسلامی انداخت.

تکاپوی دانشجویان مسلمان ایرانی در اروپا و آمریکا، همزمان با اوج‌گیری نهضت‌های رهایی بخش و مبارزه ملل مسلمان و جهان سوم برای کسب استقلال بود. در دهه‌ی چهل شمسی/شصت م/ جنبش‌های دانشجویی، کارگری و نهضت سیاه پوستان در اروپا و آمریکا و نیز فرانسه و آلمان امیدهای فراوانی، برای ایجاد یک جنبش جهانی برای آزادی به وجود آورد. مبارزه انقلابیون چین، الجزایر، کوبا، آمریکای لاتین و پیروزی آنها در مقابل استعمارگران و دیکتاتورها چشم‌انداز پیروزی برای جنبش‌های دیگر را نزدیکتر ساخت. همچنین جنگ شش روزه‌ی اعراب و اسرائیل در سال ۱۳۴۶، زمینه‌ی همبستگی و وحدت دانشجویان ایرانی و عرب را فراهم آورد.

به جرأت می‌توان از یک جنبش جهانی دانشجویی، در دهه‌ی چهل، که نمایندگان آن در اروپا و آمریکا قرار داشتند، سخن گفت. دانشجویان اروپایی با دانشجویان ایرانی و عرب در تظاهرات و اعتراض‌ها شرکت می‌کردند و به این وسیله همدردی خود را نسبت به آنها به نمایش می‌گذاشتند. به هنگام دیدار محمد رضا شاه پهلوی از آلمان در سال ۱۳۴۶ تظاهرات وسیعی از سوی دانشجویان ایرانی و آلمانی در برلن انجام گرفت، که با خشونت پلیس یک دانشجوی آلمانی به قتل رسید. این واقعه در مطبوعات و نیز محافل سیاسی این کشور جنجال بزرگی به وجود آورد، و در نتیجه‌ی آن چند مقام محلی شهر برلن مجبور به استعفا گردیدند (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۲۴۴). تحولات و رویدادهای سیاسی فوق هم به کنفدراسیون و هم دانشجویان مسلمان و مذهبی، انگیزه‌ی قوی‌تری برای گسترش اعتراض‌ها و ادامه‌ی آن علیه رژیم پهلوی بخشید.

۳- تأسیس اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا و آمریکا

۳-۱- نخستین تلاش‌ها برای تشکیل اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی در آلمان صورت گرفت. عللی را که می‌توان برای این موضوع بیان کرد، عبارت است از: ۱- فعالیت فرهنگی مرکز اسلامی هامبورگ که در دهه‌ی چهل شمسی/ به عنوان بزرگترین سازمان وابسته به شیعیان ایرانیان ساکن آلمان و بخصوص دانشجویان مسلمان را به خود جلب کرد. ۲- سرپرستی مرکز فوق در اوایل دهه‌ی چهل به آیت‌ا. محمد حسین بهشتی واگذار گردید، از آنجا که تلاش وی معطوف به برقراری روابط دوستانه با روشنفکران مذهبی بود، توانست اعتماد دانشجویان را به خود معطوف نماید و به عنوان پشتیبان و مشاور فرهنگی آنان، روند تأسیس اتحادیه‌ی فوق را تسریع بخشد. ۳- سابقه‌ی فعالیت‌های تشکلی‌های دانشجویی، بخصوص کنفدراسیون در این کشور و حضور برخی از نیروهای مذهبی در سازمان فوق و در نهایت جدایی از آن، که مورد بحث قرار گرفت از دیگر علل مهم این موضوع به شمار می‌رود. ۴- شرایط مساعد مالی تحصیل در آلمان نسبت به دیگر کشورهای اروپایی سبب گردید، شمار افزون‌تری از دانشجویان در اوایل دهه‌ی چهل به این کشور سرازیر شوند. افزایش تعداد دانشجویان، بر گسترش فعالیت سازمان‌های دانشجویی نیز تأثیر قابل توجهی به جا گذاشت (همان: ۲۹).

در این زمان یک سازمان بزرگ و معتبر دانشجویی اسلامی در آلمان فعالیت داشت، که اعضای آن، دانشجویان مسلمان عرب و پاکستانی بودند و آن را به اختصار «امسو» (um so) می‌خواندند^{۱۱}. دانشجویان عرب این اتحادیه تحت تأثیر افکار سید قطب و اخوان المسلمین و دانشجویان پاکستانی هم متأثر از «جماعت اسلامی» بودند. علیرغم این تأثیرپذیری، این سازمان جهت‌گیری سیاسی نداشت و وظیفه‌ی خود را تنها فراهم آوردن شرایط مساعد برای انجام تکالیف دینی از قبیل نماز و روزه، تبلیغ شعائر دینی می‌دانست. پس از سرکوبی اخوان المسلمین و کشته شدن سید قطب این اتحادیه حتی نسبت به جمال عبدالناصر و گروه‌های فلسطینی به ضدیت برخاست (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۷۳).

بسیاری از دانشجویان مسلمان و متدین ایرانی پس از ورود به آلمان، با تشکیلات امسو که در تمام دانشگاه‌های معتبر این کشور شعبه داشت، آشنا می‌شدند؛ زیرا حضور در نمازهای جماعت یومیّه و نیز نمازهای قربان و فطر و مراسمی از این قبیل این پیوند را ضروری می‌ساخت. به تدریج حتی دانشجویان مسلمانی که بنابه ملاحظات سیاسی با کنفدراسیون همکاری داشتند، از این سازمان جدا شدند و بیشتر فعالیت‌های خود را در امسو متمرکز ساختند. تحولات سیاسی و آهنگ پر شتاب آن در نیمه‌ی اول دهه‌ی چهل، دانشجویان مسلمان ایرانی را تحت تأثیر قرار داد. پس از قیام ۱۵ خرداد و به دنبال آن تبعید اما خمینی به ترکیه و سپس نجف، رویدادهای مهم دیگری به وقوع پیوست که به جنبش اسلامی وزن و اعتبار سنگینی و امضای قرارداد کاپیتولاسیون مورد نفرت مسلمانان بود، و دوّم، انتشارخبر شناسایی یک گروه مسلمان بامشی مسلّحانه به نام‌حزب ملل اسلامی توسط ساواک و انهدام آن.

این دو واقعه در روزگار خود، جریان ما و شخصیت‌های سیاسی و مخالفت رژیم پهلوی را به اهمیت نقش مذهب در روند مبارزه با رژیم شاه واقف ساخت. همچنین به نیروهای مذهبی انگیزه‌ی بیشتری بخشید تا بر ماهیت دینی تلاش‌های خود تأکید بورزند. اما دانشجویان ایرانی که در امسو فعالیت داشتند، متوجّه گردیدند که، چارچوب آن اجازه‌ی فعالیت‌های فراتر از برنامه‌های متعارف را نمی‌دهد؛ از این رو به دنبال مجرای برای بیان علائق جدید خود برآمدند. همزمان با این وضعیت، چنان که گفته شد، آیت الله بهشتی امامت مسجد یا مرکز هامبورگ را به عهده گرفت. در بهمن ۱۳۴۴ ش / نمایندگان انجمن‌های اسلامی دانشجویان ایرانی که وابسته به امسو به حساب می‌آمدند و از شهرهای «گیسن» (عبدالله توسلی، اسدالله خالدی) و «برانشویک» (مصطفی حقیقی) بودند، نشستی ترتیب دادند و مقدمات ایجاد یک سازمان جدید را فراهم آوردند (همان: ۷۴). پس از آن که آنها هدف خود را با آیت الله بهشتی در میان نهادند، به توصیه‌ی ایشان، قرار بر آن گذاشته شد تا به منظور حفظ وحدت از امسو خارج نشوند؛ بلکه نام آن را حفظ کنند و صرفاً عبارت فارسی زبان را به آخر آن اضافه نمایند. به این ترتیب سازمان جدید به این صورت معرفی گردید: «اتحادیه دانشجویان مسلمان در اروپا، گروه فارسی زبان (باقرنژاد، ۱۳۸۰: ۴۷)»

انتخاب این عنوان و البته در پیش گرفتن این مسیر مزایا و امتیازاتی برای دانشجویان ایرانی داشت، نخست از طریق سازمان جهانی دانشجویان مسلمان یعنی امسو، مشروعیتی برای خود کسب می‌کردند و مشکلات حقوقی ثبت یک سازمان جدید را پشت سر می‌گذاشتند، (بهشتی، ۱۳۸۰: ۴۷) دوّم این که از اتهام تجزیه طلبی در صفوف یک سازمان مسلمان تبرئه می‌شدند.

انتشار مجله‌ی «اسلام مکتب مبارز» به عنوان ارگان اتحادیه، از نخستین تصمیمات نشست اول بود، که البته پس از نشست دوّم صورت عملی به خود گرفت. این نام از عنوان یکی از کتاب‌های مهندس بازرگان اخذ شده بود (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۳۴۷). اتحادیه، همچنین با بعضی از مراکز فرهنگی و تبلیغی اسلامی در ایران مانند شرکت سهامی انتشار، مؤسسه‌ی در راه حق، دارالتبلیغ اسلامی و از این قبیل ارتباط برقرار کرد و مجلات و آثار آنها را در بین دانشجویان مسلمان تبلیغ می‌کرد و به فروش می‌رساند. همچنین اولین شماره‌ی مکتب مبارز در شهریور ۱۳۴۵ با شمارگان ۱۸۵۰ نسخه منتشر گردید.

اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانشجویان در انگلیس نسبت به انجمن‌های آلمان، آمریکا و حتی فرانسه با تأخیر تأسیس گردید، نخست به این خاطر که تعداد دانشجویان ایرانی شاغل به تحصیل در انگلیس نسبت به کشورهایی که ذکر شد، اندک بود و دوّم آن که فعالیت گسترده‌ی گروه‌های مارکسیستی، امکان و مجال تحرّک را به گروه‌های اندک مذهبی نمی‌داد. اما از سال ۱۳۵۰ به بعد، بر شمار دانشجویان ایرانی در این کشور افزوده گردید، که در میان آنها تعداد قابل توجهی دانشجویان مذهبی قرار داشت. همچنین از اوایل دهه‌ی پنجاه، فعالیت حسینیه‌ی ارشاد و سخنرانی‌های دکتر شریعتی و نیز جریان سازمان مجاهدین خلق، انگیزه‌ی فعالیت دانشجویان مسلمان در انگلیس را همانند دیگر کشورها افزایش داد.

دانشجویان مسلمان ایرانی در انگلیس و به خصوص شهر لندن، در ابتدا با دو مرکز مذهبی ارتباط برقرار کردند. نخست «مجمع اسلامی لندن» بود، که توسط یکی از وابستگان بیت آیت الله گلپایگانی اداره می‌شد. این مجمع صرفاً به امور مذهبی و شرعی می‌پرداخت

و مایل به دخالت در مسائل اجتماعی و فرهنگی ایرانیان نبود، از این رو دانشجویان ارتباط خود را با آن محدود ساختند (فرزین، ۱۳۸۴: ۴). دوّمین مرکزی که امکان ارتباط دانشجویان ایرانی با دیگر دانشجویان مسلمان کشورهای دیگر را فراهم آورد «جمعیت جوانان مسلمان» (M.Y.A)^{۱۲} بود که در لندن به فعالیت فرهنگی و دینی مشغول بود و دانشجویان شیعی که عموماً ایرانی بودند، اعضای اصلی آن به شمار می‌آمدند. این سازمان از سوی متمولین شیعه عرب تأمین می‌گردید و به جز دانشجویان ایرانی، دانشجویان عراق، افغانی و لبنانی هم در آن فعالیت داشتند.

جمعیت جوانان مسلمان (M.Y.A) مانند اُمسو، هیچ تمایلی به پرداختن به مشکلات سیاسی کشورهای مسلمان نداشت، از این رو دانشجویان ایرانی در ذیل جلسات آن، سلسله نشست‌هایی ترتیب می‌دادند تا مسائل و تنگناهای کشور خود را مورد بررسی قرار دهند. پس از آن که مسئولان (M.Y.A) از این جریان مطلع گردیدند، از ایرانیان خواستند تا به این کار پایان دهند. این وضعیت سبب گردید تا دانشجویان ایرانی با کمک شخصیت‌هایی چون دکتر اقبال از متفکران پاکستانی الاصل انگلیسی و دکتر کلیم صدیق، مکانی برای برگزاری جلسات خود بیابند. پس از آن، آنها از M.Y.A جدا شدند و انجمن اسلامی لندن را تأسیس کردند. پس از این موفقیت، انجمن‌های اسلامی در شهرهای برادفورد و منچستر هم ایجاد گردید. در سال ۱۳۵۶ ش / همه‌ی انجمن‌های اسلامی انگلیس، رهبری انجمن اسلامی لندن را پذیرفتند و به این ترتیب هسته‌ی اصلی اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی در لندن گذاشته شد.^{۱۳}

فعالیت دانشجویان مسلمان ایرانی در فرانسه با روند تلاش‌های انجمن‌های اسلامی در آلمان، انگلیس و امریکا تفاوت اساسی داشت. در فرانسه فعالیت‌های سیاسی- مذهبی دانشجویان ایرانی اگر چه مسبوق به سابقه بود؛ اما انسجام و پیوستگی انجمن‌های کشورهای یادشده را نداشت. چند شخصیت سیاسی که در دوره‌ی مورد بحث، برای دانشجویان به عنوان افرادی مذهبی معروف بودند، رهبری حرکت‌های اسلامی دانشجویی

در فرانسه را به عهده داشتند که برخی از آن‌ها عبارت بودند از: دکتر علی شریعتی، غلام عباس توسلی، ابوالحسن بنی‌صدر، صادق قطب زاده‌ی حسن حبیبی.

افراد یاد شده در اواخر دهه‌ی سی و اوایل دهه‌ی چهل، ابتدا با کنفدراسیون همکاری داشتند و بنا به عللی که به آن اشاره شد، از آن جدا گردیدند و در فعالیت‌های سیاسی خود، جنبه‌های اسلامی را برجسته‌تر ساختند، همچنین ارتباط مستمری با امام خمینی برقرار ساختند. از این جمع، حسن حبیبی و ابوالحسن بنی‌صدر با انتشار خبر نامه‌ی «جبهه ملی سوم» ضمن افشاگری علیه رژیم، اعلامیه‌های امام خمینی و اخبار جنبش اسلامی را منتشر می‌ساختند. صادق قطب زاده نیز با تشکیل «نهضت آزادی خارج از کشور» و انتشار «پیام مجاهد» به نشر اخبار جنبش اسلامی پرداخت (سلیمی نمین، ۱۳۷۸: ۵).

انجمن اسلامی دانشجویان پاریس با الهام از اقدامات افراد فوق در آغاز دهه‌ی پنجاه شمسی/ فعالیت خود را آغاز کرد. از مهمترین فعالیت‌های این انجمن، به راه‌انداختن انتشارات مصدق و انتشارات مدرس بود که محمد ترکمان و عبدالباقی آیت‌اللهی مسئولیت اداره‌ی آن را به عهده گرفتند (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۲۱۲).

در سال ۱۳۵۶، جمعی از مبارزین سیاسی که بیشتر در سوریه و لبنان به فعالیت علیه رژیم مشغول بودند، به منظور تشدید جنگ تبلیغاتی علیه رژیم در اعتراض به شرایط نامساعد زندانیان سیاسی در ایران در کلیسای سن‌مری پاریس به اعتصاب دست زدند. برگزار این اعتصاب بدون همکاری انجمن اسلامی دانشجویان فرانسه و بخصوص کمک افرادی چون حبیبی، بنی‌صدر و قطب زاده ناممکن بود. اعتصاب فوق به خوبی برگزار گردید و به مهمترین هدف خود، که ایجاد فشار تبلیغاتی علیه رژیم بود دست یافت (جنتی، ۱۳۷۸: ۱۵).

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، و افزایش روابط ایران و آمریکا، زمینه‌ی اعزام گسترده‌ی دانشجویان به این کشور فراهم گردید. افزایش تعداد دانشجویان به آمریکا موجبات رشد و گسترش سازمان ملی دانشجویی در ایالات متحده را فراهم آورد، البته بررسی نحوه‌ی شکل‌گیری جنبش‌های دانشجویی در آمریکا در چارچوب این نوشته نیست.

و در این مقاله فقط تا جایی به آن پرداخته می‌شود که با هدف آن، یعنی؛ اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی مربوط باشد^{۱۴}.

تا پیش از تشکیل اتحادیه‌های انجمن‌های اسلامی، «سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا» یکی از مراکز فعالیت دانشجویان ایرانی به شمار می‌رفت، پس از آن که این سازمان به کنفدراسیون پیوست و به این ترتیب «کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی، اتحادیه‌ی ملی، به وجود آمد و نیز پس از آن که دانشجویان مسلمان به لزوم تأسیس یک تشکل جداگانه واقف گشتند، به تدریج از کنفدراسیون خارج گشتند. چنان‌چه گفته شد در اواخر دهه‌ی چهل مائوئیست‌ها بر کنفدراسیون سیطره یافتند و همانند آنچه در آلمان و فرانسه رخ داد در آمریکا نیز زمینه‌ی جدایی نیروهای مذهبی مانند مصطفی چمران از آن فراهم آمد.

همزمان با این تحوّل، سازمان انجمن‌های اسلامی دانشجویان در آمریکا (MSA)^{۱۵} که اعضای آن را عمدتاً دانشجویان عرب و پاکستانی تشکیل داده بودند و در میان دانشجویان مسلمان کشورهای مختلف اعتبار زیادی کسب کرده بود، مورد توجه دانشجویان ایرانی قرار گرفته بود. روی گردانی ایرانیان از کنفدراسیون سبب گرایش آنان به این انجمن گردید. از آنجا که تجار پاکستانی و عرب از نظر مالی این سازمان دانشجویی را مورد حمایت قرار می‌دادند، در بسیاری از دانشگاه‌های آمریکا شعبه‌هایی دایر نمود و بسیاری از دانشجویان مذهبی ایرانی نیز در سراسر آمریکا به آن پیوسته بودند (شروش، ۱۳۵۹:۴۰). اما انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا (MSA)، نه تنها پاسخگوی تمایلات و نیازهای سیاسی و فرهنگی دانشجویان ایرانی نبود؛ بلکه مانع اقدامات ایرانیان در افشاگری علیه اختناق حاکم بر کشورشان می‌گردید. به همین منظور همانند آنچه در آلمان و انگلیس رخ داد، در آمریکا نیز در حاشیه‌ی برگزاری نشست سالانه MSA در تابستان ۱۹۶۶ طرح تأسیس گروه فارسی زبان این انجمن، مطرح و در سال ۶۷-۱۹۶۶ رسماً شکل عملی به خود گرفت (یزدی، ۴۸۵:۱۳۸۳).

۴- کارنامه‌ی سیاسی اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا و آمریکا (گروه فارسی زبان)

یکی از نخستین اقدامات اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی، چاپ نشریات مختلف در زمینه‌های گوناگون فرهنگی و سیاسی بود. بررسی مجموعه‌ی این نوشته‌ها، نشان می‌دهد، هدف اصلی گردانندگان این سازمان دانشجویی، استحکام بخشیدن به هویت دینی دانشجویان و تقویت مبانی دینی آنان بود تا شرایط زندگی در غرب، خللی در اعتقادات و باورهای آنها به وجود نیاورد. تجربه‌ی کنفدراسیون و نیز سازمان و گروه‌های چریکی در سراسر دنیا، این واقعیت را به آنان ثابت کرده بود، که تکیه بر شعارهای سیاسی بدون اتکا به مبانی فرهنگی جامعه‌ی بومی، زمینه‌ی تجزیه و اختلاف را به سرعت در میان صفوف مبارزان فراهم خواهد آورد (یزدی، ۱۳۸۶: ۱۱).

با توجه به این رویکرد، نشریات متعدد اتحادیه، تمام توجه و تلاش خود را معطوف به ارائه‌ی اسلام واقعی یا به اصلاح خود اسلام به عنوان «مکتب مبارز» نمودند. در سر مقاله‌ی اولین شماره‌ی اسلام مکتب مبارز انگیزه‌ی اصلی بنیانگذاران اتحادیه در اقداماتشان چنین بیان شده است! «... هدف ما در شناساندن چهره‌ی واقعی اسلام خلاصه می‌شود: اسلام مبارز و مولد ... ما صددرصد اطمینان داریم که اگر چهره‌ی واقعی اسلام به جوانان عرضه شود همه مشکلات خود به خود حل خواهد شد.» (مکتب مبارز، ۱۳۴۶: ۱۱) آیت ... بهشتی به عنوان مشاور و پشتیبان فرهنگی و دینی اتحادیه نیز هدف اصلی از تلاش برای تأسیس اتحادیه را، «... به وجود آوردن یک جامعه‌ی اسلامی دانست که در آن اسلام و تعالیم خاص و همه جانبه و متحرک آن محور اساسی زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی در همه‌ی زمینه‌ها، اعم از: فرهنگی، اقتصادی، سیاسی اخلاقی و غیره باشد.» (مکتب مبارز، ۱۳۴۸: ۶). ویژگی همه‌ی مقالات و نوشته‌های مکتب اسلام، اثبات این نظریه بود، که تعالیم و دستورات اسلام واقعی یعنی: اسلام دوران پیامبر و علی(ع)، چاره‌ی تمام دردها و آلام جامعه است و تمام نارسایی‌ها و کژی‌های موجود، معلول فراموشی و تعطیلی فرامین این دین آسمانی می‌باشد.

تلاش اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی در معرفی اسلام «مبارز» یعنی؛ «اسلامی که در زمان پیامبر و علی(ع) کارایی خود را نشان داده بود»، زمینه‌ی حضور دانشجویان در عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی جامعه را فراهم می‌کرد. اتخاذ این رویکرد، ضمن جذب مخاطبان وسیع در جامعه‌ی دانشگاهی، به تدریج کنفدراسیون و دیگر جریان‌های سیاسی چپ را به عنوان پیشتازان مبارزه علیه رژیم به عقب راند. نکته‌ای که یادآوری آن ضروری می‌نماید آن است، که بیشتر نویسندگان مقالات و مطالب مکتب مبارز از چهره‌های سرشناس فرهنگی روزگار خود به حساب می‌آمدند و هیچ یک در تحلیل اسلام، محتوا و تعلیم این دین را در نوشته‌های خود صرفاً به یک مجموعه از شیوه‌های مبارزه تقلیل نمی‌دادند. از جمله‌ی این نویسندگان باید از آیت الله بهشتی، آیت الله مکارم شیرازی، علامه جعفری، سید هادی خسروشاهی، مجتهد شبستری، دکتر علی شریعتی، ابوالحسن بنی‌صدر و ابراهیم یزدی نام برد.

اقبال و توجه دانشجویان مسلمان از «اسلام مکتب مبارز» چنان رو به فزونی نهاد که پس از آن که اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانشجویان در آمریکا بنیاد نهاده شد، به عنوان ارگان این اتحادیه پذیرفته شد و به این صورت زمینه‌ی وحدت آنها فراهم گردید. یکی از عوامل این موفقیت پیوستگی مستمر اتحادیه با روحانیت و حوزه‌ی علمیه‌ی قم و چهره‌های سرشناس مذهبی بود، که به نام چند تن از آنان اشاره شد. این ارتباط گذشته از تعمیق باورهای دینی آنان، از شتاب زدگی سیاسی و عملگرایی افراطی برخی از اعضا جلوگیری نمود.

یکی از موضوعاتی که در تمام نشریه‌های اتحادیه، گاه و بیگاه به عنوان مسأله‌ای مهم مورد توجه قرار می‌گرفت، «قضیه فلسطین» بود. اهمیت این موضوع گذشته از توجه همیشگی محافل مذهبی ایران نسبت به آن به روابط عمیق دکتر مصطفی چمران و امام موسی صدر با اتحادیه‌ی مربوط می‌گردد. اهمیت این موضوع چنان بود که در تشکیلات اتحادیه «کمیته‌ی فلسطین» به منظور پی‌گیری مشکلات فلسطینی‌ها و افشای ابعاد گسترده‌ی جنایات اسرائیلی‌ها به وجود آمد. یکی از اقدامات کمیته‌ی فلسطین انتشار مجموعه‌ای تحت عنوان «کرامه» و نشریه ماهانه‌ی «قدس» بود. با توجه به روابط نزدیک

دولت ایران با اسرائیل توجّه به موضوع فلسطین و اعتراض به اسرائیل، از نگاه سازمان‌های امنیتی رژیم به عنوان اقدامی ضدّ امنیتی تلقّی می‌گردید و این سازمان را در مقابل دولت پهلوی قرار می‌داد (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۱۳۷).

تجلیل از واقعه‌ی پانزده خرداد و گرامی داشت یاد و خاطره‌ی آن در تمام نشریات اتحادیه به یک شیوه‌ی مبارزاتی تبدیل گردید. گذشته از اشارات گاه و بی‌گاه به این واقعه در مقالات مختلف، در سال ۱۳۴۹ ش اتحادیه انجمن‌های اسلامی در آمریکا به مناسبت ۱۵ خرداد جزوه‌ای تحلیلی به نام «روحانیت و پانزده خرداد» منتشر ساخت که در تیراژ وسیع در خارج و حتّی داخل ایران پخش گردید.^{۱۶} این نشریه به رویت امام خمینی نیز رسید و ایشان ضمن برشمردن انتقاداتی به آن در مجموع، آن را تأیید و تلاش تهیه کنندگان آن را ارج نهاد.

حکومت پهلوی دهه‌ی پنجاه شمسی / را با تبلیغات فراوان درباره جشن‌های ۲۵۰۰ ساله آغاز کرد. انگیزه‌ی محمد رضا پهلوی از این جشن‌ها، ترسیم سیمایی اسطوره‌ای از حکومتش بود؛ اما برعکس تصوّر وی، جشن‌های فوق‌قادر به مشروعیت بخشیدن به تاج و تخت وی نبود، و شکاف میان او و جامعه، به خصوص نخبگان را ژرف‌تر ساخت. همچنین آغاز دهه‌ی پنجاه همراه با وقایعی بود، که اسباب خیزش نیروهای مذهبی را بیش از گذشته فراهم آورد.

نخست باید از اعلامیه‌های امام، علیه جشن‌های فوق‌یاد کرد، که در میان دانشجویان مسلمان و حتّی غیر مذهبی در داخل و به خصوص خارج از ایران بازتاب وسیعی داشت. دوّم، سخنرانی‌های دکتر علی شریعتی در حسینیه‌ی ارشاد که از اواخر دهه‌ی چهل یا اوایل پنجاه شمسی / ایراد گردید انتشار متن آنها در میان اعضا عشق و علاقه به اسلام مبارزه انقلابی را که شریعتی مبلّغ آن بود، افزایش داد. همچنین باید به اخبار مربوط به فعالیت‌های سازمان مجاهدین خلق اشاره کرد که انعکاس آن در اروپا پیامدهای مهمی برای نیروهای مذهبی به دنبال داشت. چنان‌که گفته شد، اعضای این سازمان در محافل مذهبی روزگار

مورد بحث به تدین و دینداری مشهور بودند، بنابراین ظهور این سازمان موجبات غرور و اعتماد به نفس بیشتر دانشجویان مسلمان را فراهم آورد.

مجموعه‌ی این رویدادها اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی را بیش از گذشته به سوی رویارویی با رژیم پهلوی سوق داد. نشست هفتم این سازمان دانشجویی در هشتم خرداد ۱۳۵۰ کاملاً سیاسی و مباحث مطروحه در آن در مخالفت آشکار و بی‌پرده با رژیم پهلوی بود. در ابتدای نشست فوق، ابتدا پیام امام خمینی و نیز پیام جمعی از طلبان ایرانی ساکن نجف در حمایت از فعالیت‌های اتحادیه قرائت گردید. سپس پیام اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی دانشجویان در آمریکا و انگلیس برای حضار خوانده شد. فصل مشترک این پیام‌ها ضرورت اتکا به اسلام مبارز و انقلابی در تمام موقعیت‌ها و نیز حرکت چهارچوب در فرهنگ اسلامی بود (مکتب مبارز، ۱۳۵۰:۴۵).

چنان‌که گفته شد، با آغاز دهه‌ی پنجاه، دوره جدیدی از فعالیت اتحادیه‌ی انجمن‌های اسلامی به خصوص در آلمان و فرانسه آغاز شد. در آمریکا فعالیت‌های سیاسی دانشجویان مسلمان در چهارچوب نهضت آزادی خارج از کشور و سازمان جوانان مسلمان انجام می‌گردید؛ زیرا تلاش رهبران اتحادیه در آمریکا بیشتر معطوف به فعالیت‌های فرهنگی و دینی بود تا به این وسیله دانشجویان امکان بازگشت به ایران و ادامه‌ی فعالیت‌های ضد رژیم را داشته باشند (خرم، ۱۳۸۶:۱۶).

در سال‌های دهه‌ی پنجاه، تا پیروزی انقلاب اسلامی، رویارویی اتحادیه و رژیم شکل گسترده و آشکارتری به خود گرفت. در نشست‌های سالانه همیشه از «پیشوای جنبش اسلامی حضرت آیت الله خمینی» با احترام یاد می‌شد و قیام ۱۵ خرداد به عنوان فصل جدیدی از مبارزه‌ی مردم علیه رژیم مورد تجلیل قرار می‌گرفت. این روند تا پیروزی انقلاب اسلامی به اشکال مختلف در حال گسترش بود که اوج آن در مهاجرت امام خمینی به پاریس و حمایت کامل و همه‌جانبه‌ی دانشجویان مسلمان از ایشان دیده می‌شود. از آنجا که چگونگی پشتیبانی دانشجویان از جنبش اسلامی به هنگام مهاجرت رهبر انقلاب به فرانسه در منابع مختلف توضیح داده شده است از بازگویی آن خودداری می‌شود.

نتیجه

پیروزی انقلاب اسلامی نتیجه‌ی یک ائتلاف بزرگ از گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بود. در این ائتلاف، روحانیت و روشنفکران مذهبی، مهمترین جایگاه را به خود اختصاص داده بودند. بررسی نحوه‌ی شکل گرفتن انجمن اسلامی داخل و به خصوص خارج از کشور و پیروی بی‌چون و چرای آنها از امام خمینی، بخشی از ابعاد و زوایای چگونگی شکل‌گیری ائتلاف فوق را نشان می‌دهند. دانشجویان مسلمان با تبلیغ شعارهای جنبش اسلامی، حوزه‌ی عمومی جامعه را سیاسی ساختند و اثرگذاری پیام‌ها و اعلامیه‌های امام خمینی بر جامعه را گسترش دادند. همچنین چگونگی شکل‌گیری اتحادیه انجمن‌ها و بررسی کارنامه‌ی آن به وضوح نشان دهنده چگونگی طرح جریان «اسلام مبارز» و به وجود آمدن هویت دینی-سیاسی جامعه‌ی آن روز ایران می‌باشد.

منابع

- ۱- اشرف، احمد بنوعزیزی (۱۳۸۷)، *طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب و در ایران*، ترجمه‌ی سهیلا ترابی فارسانی، تهران نیلوفر
- ۲- امام خمینی (۱۳۷۸)، *صحیفه تهران*، عروج.
- ۳- باقرنژاد- مجتبی (۱۳۸۶)، *تاریخچه‌ی مبارزات اسلامی دانشجویان خارج از کشور*، تهران مؤسسه‌ی اطلاعات بدلا، خاطرات (۱۳۷۴)، تهران مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۴- جعفریان، رسول (۱۳۸۰)، *جریان‌ها و جنبش‌های مذهبی- سیاسی (۱۳۳۰-۱۳۵۷)*، تهران، مرکز پژوهشگاه، فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۵- جنتی، علی، (۱۳۸۱)، *خاطرات*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۶- دلاپورتا، دوناتا، (۱۳۸۴)، *مقدای بر جنبش‌های اجتماعی*، مترجم محمدتقی دل افروز، تهران، کویر
- ۷- روشه گی، (۱۳۹۰)، *تغییرات اجتماعی*، تهران نی.
- ۸- سلبین اریک (۱۳۸۶)، *بازنگری فرهنگ و کارگذاری در نظریه‌پردازی انقلاب*، ترجمه‌ی فرهنگ ارشاد، تهران، نی.
- ۹- فوران، جان، (۱۳۸۶)، *گفتمان‌ها و نیروهای اجتماعی*، در *نظریه‌پردازی انقلاب*، ترجمه‌ی فرهنگ ارشاد، تهران.
- ۱۰- طباطبایی، صادق، (۱۳۸۷)، *کنفدراسیون تاریخ جنبش دانشجویان ایرانی در خارج کشور*، ترجمه‌ی ارسطو آذری، تهران، شیرازه.
- ۱۱- متین، افشین، *کنفدراسیون تاریخ جنبش دانشجویان ایرانی در خارج از کشور*، ترجمه‌ی ارسطو آذری، تهران، شیرازه.
- ۱۲- معدل، منصور (۱۳۸۲)، *طبقه سیاست و ایدئولوژی در انقلاب ایران*، ترجمه‌ی محمد سالار کرایبی، تهران مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

- 13- Asef Hussain (1985), *Islamic iran revolution and counter*, London Hamid Algar (1983) *the roots of the Iranian revolution* ,London , open press.
- 14- The Skocpol (1982), *rentier state and shia Islam in the irainan revolution the theory and society*, vol.111

منابع آرشیوی

- ۱۵- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مصاحبه با عبدالله محمود زاده
- ۱۶- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مصاحبه با صادق طباطبایی
- ۱۷- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مصاحبه با یوسف فروتن
- ۱۸- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مصاحبه با محمدعلی فرزین
- ۱۹- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مصاحبه با حسن غفوری فرد
- ۲۰- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مصاحبه با ابراهیم یزدی
- ۲۱- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مصاحبه با علی خرم
- ۲۲- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مصاحبه با عباس سلیمی نمین
- ۲۳- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، مصاحبه با حسین کیارشی

